



علی ظریف گلزار^۱ (حسابدار رسمی و عضو هیئت عالی نظارت)

مالیاتی دولت‌ها عموماً به‌عهده‌ی یک سازمان تخصصی دولتی (در ایران تا سال ۱۳۸۲، معاونت درآمدهای مالیاتی وزارت امور اقتصادی و دارایی و از سال ۸۲ سازمان امور مالیاتی کشور عهده‌دار این وظیفه بوده‌اند)

در محول شده است. از جمله وظایف مهم سازمان مالیاتی شناسایی مؤدیان مالیاتی (اشخاص دارای درآمد، ثروت و امکانات مالی) و تعیین و تشخیص درآمد مشمول مالیات و مطالبه‌ی مالیات و وصول آن است (مقررات ماده ۲۱۹ قانون مالیات‌های مستقیم این وظیفه را به‌عهده‌ی مأموران تشخیص مالیات محول کرده است)

جمع‌آوری و تأمین درآمدهای مالیاتی در کشور همواره دغدغه‌ی بزرگ دستگاه مالیاتی و از مسئولیت‌های مهم و تعیین‌کننده‌ی دولت به‌شمار می‌رود. از این رو، اتخاذ و تعیین راه‌های قانونی و اجرایی اخذ مالیات متناسب با اوضاع و احوال و شرایط اجتماعی

که به‌موجب قوانین و مقررات مالیاتی هر دوره بنا به شرایط، سهم هر یک در درآمد دولت‌ها مشخص می‌شود. در برخی از جوامع، مالیات‌های مستقیم (شامل مالیات بر درآمد و ثروت) و در برخی دیگر مالیات‌های غیرمستقیم (شامل مالیات بر مصرف و واردات) سهم بیش‌تری از درآمدهای دولت را به خود اختصاص داده است. برخی صاحب‌نظران مالیات‌های مستقیم و برخی دیگر مالیات‌های غیرمستقیم را موافق با اصول اقتصادی و عدالت اجتماعی دانسته‌اند. با این حال، همه‌ی متفکران اقتصادی در ضرورت وضع و تنوع مالیات‌ها اتفاق نظر دارند.

در اغلب کشورهای جهان این دو نوع مالیات توأماً مورد استفاده قرار می‌گیرد. گرچه امروزه به‌سبب گستردگی پایه‌های مالیاتی به مالیات‌های غیرمستقیم تمایل بیش‌تری نشان داده می‌شود. وظیفه‌ی جمع‌آوری و تحقق درآمدهای

در کتب و مقالات اقتصادی عمدتاً از مالیات به‌عنوان ابزار سیاست مالی و اجرای اهداف اجتماعی، اقتصادی و مالی دولت‌ها یاد شده است، اما، امروزه نقش مالی و تأمین درآمدهای دولت را باید مهم‌ترین ویژگی مالیات به حساب آورد. زیرا دولت‌ها با داشتن امکانات مالی و کسب درآمدهای مالیاتی قادر به انجام وظایف و رسیدن به اهداف مختلف خود خواهند بود. از این رو، برنامه‌های درازمدت و میان‌مدت و همچنین بودجه‌ی سالانه‌ی دولت‌ها به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته با اتکا به درآمدهای مالیاتی تنظیم می‌شود. تردیدی نیست که وصول مالیات توسط دولت‌ها و نحوه‌ی مصرف آن وظیفه‌ی پاسخ‌گویی آن‌ها را در برابر مردم سنگین‌تر می‌کند.

مالیات، صرف‌نظر از جنبه‌های علمی و آثار اقتصادی و اجتماعی آن، از جهت مطالبه و وصول به دو گروه مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم طبقه‌بندی شده‌اند

و اقتصادی از اهمیت بسیار برخوردار است.

روش‌های وصول مالیات در ایران

روش‌های وصول مالیات اعم از مستقیم و غیرمستقیم را در ایران می‌توان به ترتیب زیر گروه‌بندی و خلاصه کرد:

۱. روش خوداظهاری و پرداخت مالیات

این روش مبتنی بر تسلیم اظهارنامه‌ی مالیاتی به وسیله مؤدیان در فرصت‌های قانونی و پرداخت مالیات متعلقه در سررسیدهای تعیین شده است. به عنوان مثال، مؤدیان مالیات بر ارث به موجب مواد ۲۶ و ۲۸ قانون مالیات‌ها و صاحبان درآمد املاک به موجب ماده ۸۰ و اشخاص حقوقی به موجب ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌ها مکلف به تسلیم اظهارنامه و پرداخت مالیات متعلق هستند.

۲. روش مشارکت و همکاری با سازمان مالیاتی

این روش مبتنی بر مشارکت و همکاری مؤدیان با سازمان امور مالیاتی در وصول و واریز مالیات است. به عنوان مثال، سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند در برخی از منابع (مشاغل) در هر سال و در نقاطی که مقتضی بداند درآمد مشمول مالیات تمام یا برخی از مشمولان را با نظر اتحادیه‌ی مربوط تعیین و مالیات متعلقه را که قطعی خواهد بود وصول نماید (تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌ها مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه ۱۳۸۰/۱۰/۲۷). همچنین تبصره ۲ ماده ۱۸۶ قانون مالیات‌ها در مورد مشاغل و همکاری تشکل‌های صنفی و مجامع حرفه‌ای در وصول مالیات و پرداخت یک در هزار مالیات وصول شده از مصادیق این روش به شمار می‌آید.

۳. روش وصول مالیات از طریق مالیات‌های تکلیفی

این روش به دلیل اهمیت و گستردگی موضوع به‌طور جداگانه در ادامه‌ی این مقاله به تفصیل مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

۴. روش وصول مالیات به وسیله‌ی مأموران سازمان مالیاتی به عنوان جزیی از وظایف اصلی و قانونی آن‌ها

طبق این روش وصول مالیات وظیفه‌ی اصلی سازمان مالیاتی است و روش‌های دیگر با نقش پشتیبان در این مأموریت مورد

استفاده قرار می‌گیرند (مقررات ماده ۲۱۹ قانون مالیات‌های مستقیم و آیین‌نامه‌های مربوط)، در این روش پس از صدور برگ مطالبه‌ی مالیات و رسیدگی به اعتراضات احتمالی مؤدی و طی مراحل قانونی و قطعیت آن، مؤدی با تمکین به مالیات نهایی و یا پیگیری مأموران وجه آن را به حساب دولت واریز می‌کند. تردیدی نیست که چنانچه به طرق یادشده دیگر قبلاً مالیاتی پرداخت شده باشد به موجب مقررات مالیاتی قابل کسر خواهد بود.

۵. روش پرداخت داوطلبانه

گاهی دولت‌ها بنا به شرایط اضطراری و با انگیزه‌های مختلف مردم را مخیر به پرداخت تمام یا قسمتی از بدهی مالیاتی خود می‌کنند (لایحه‌ی تأدیه و تسویه‌ی مالیاتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۸).

۶. روش‌های قهرآمیز وصول مالیات

در این روش مالیات‌های قانونی و قطعی شده‌ی مؤدیان متخلف و بدحساب که از پرداخت مالیات‌های قانونی مورد مطالبه خودداری می‌کنند و باعث اتلاف وقت و منابع می‌شوند از طریق توقیف اموال یا مسدود کردن حساب‌های بانکی و..... به حیضه‌ی وصول درمی‌آید (مواد ۲۱۰ تا ۲۱۸ قانون مالیات‌های مستقیم).

۷. روش وصول مالیات از طریق تخفیف و بخشودگی عمومی مالیاتی

در مقاطعی از زمان دولت برای ترغیب مؤدیان به پرداخت بدهی‌های مالیاتی معوق، با تصویب اعطای تخفیف یا بخشودگی (اعم از اصل و جرایم) ضمن دستیابی به مطالبات خود و تامین منابع مالی پرونده‌های مالیاتی را مختومه اعلام می‌کند. (مالیات‌های معوق مدتاً بعد از تغییر و یا اصلاح قوانین، تحت عنوان بقایای مالیاتی مورد بخشودگی قرار می‌گیرند). به عنوان مثال، به موجب مفاد ماده ۱۳۰ قانون مالیات‌ها و تبصره‌ی آن (اصلاحیه‌ی ۸۰/۱۱/۲۷) حکم بخشودگی مالیات‌های معوق صادر شده است. همچنین تبصره‌ی ماده ۱۷۴ قانون مالیات‌های مستقیم حکم مشابهی برای مالیات‌های قبل از سال ۱۳۶۴ وجود دارد.

۸. روش وصول مالیات از طریق ابطال

تمبر

در مقاطعی وصول مالیات به منظور جلوگیری از مراجعات و سرعت بخشیدن به آن با ابطال تمبر انجام می‌گیرد (مفاد مواد ۴۲ تا ۵۱ قانون مالیات‌های مستقیم به حق تمبر و مقررات اجرایی آن و همچنین ماده ۱۰۳ این قانون به موضوع حق تمبر و کلا اختصاص دارد). البته در مواردی این روش ممکن است مالیات تکلیفی تلقی شود.

۹. روش تهاوتر مطالبات اشخاص با بدهی مالیاتی آن‌ها

مأموران مالیاتی راساً مجاز به اعمال این روش نیستند. این روش در مواردی به کار می‌رود که قوانین و مصوبات دولتی آن را مجاز شناخته باشد.

تصویب‌نامه‌ی شماره ۱۹۲۷۹۷۶/ت/۳۳۰۶۸ - ۱۳۸۶/۱۱/۲۸ و ۲۲۲۳۶۳ / ت ۴۱۳۵۵ - ۱۳۸۷/۱۱/۲۹ هیئت وزیران، واردکنندگان کالاهای سرمایه‌ای از پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز معاف شده‌اند و پرداختی آن‌ها به بانک‌های عامل از این بابت باید مسترد گردد (در صورت واریز مبالغ یادشده از طرف بانک عامل به حساب سازمان امور مالیاتی به عنوان علی‌الحساب مالیاتی سال جاری یا سنوات آتی آنان منظور خواهد شد).

۱۰. روش تقسیط بدهی‌های مالیاتی

در این روش دولت به مؤدیانی که قادر نیستند بدهی مالیاتی خود را به‌طور نقد و یکجا پرداخت کنند مساعدت نموده، به تقسیط بدهی آن‌ها مبادرت می‌کند. به‌موجب مقررات ماده ۴۰ قانون مالیات‌ها در صورتی که مشمولان مالیات بر ارث قادر به پرداخت مالیات خود نباشند، سازمان مالیاتی می‌تواند با اخذ تضمین معتبر قرار تقسیط آن را تا مدت ۳ سال صادر کند. همچنین برابر ماده ۱۶۷ قانون سازمان مالیاتی می‌تواند بدهی مالیاتی و جرایم متعلقه مؤدیان را تا سه سال تقسیط کند.

۱۱. روش بخشیدن جرایم مالیاتی

این روش برای ایجاد انگیزه و ترغیب و تشویق مؤدیان به پرداخت مالیات به کار می‌رود. به عنوان مثال، به موجب مقررات ماده ۱۹۱

قانون مالیات‌های مستقیم تمام یا بخشی از جرایم مؤدیان قابل بخشیدن است.

۱۲. روش ایجاد محدودیت برای مؤدیان مالیاتی

در این روش مؤدیان مالیاتی بدهکار تا پرداخت بدهی خود ممنوع الخروج می‌شوند (ماده ۲۰۲ قانون مالیات‌ها) همچنین به موجب مقررات ماده ۱۸۶ قانون مالیات‌ها، اعطای تسهیلات توسط بانک‌ها به این گونه مؤدیان موکول به پرداخت بدهی‌های مالیاتی متقاضی است.

۱۳. روش ابداعی توسط مأموران تشخیص مالیات

این روش به صورت سنتی و بدون پشتوانه‌ی قانونی لازم مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش مأموران مالیاتی با مؤدیان ذی‌ربط بر سر میزان مالیات به توافق رسیده و از شروط لازم آن پرداخت مالیات تعیین شده در اولین فرصت به‌صورت نقد یا نقد و اقساط است. این روش علاوه بر این‌که فاقد جایگاه قانونی است، تبعات آن‌را نمی‌توان مفید ارزیابی کرد، با این حال، مقابله با آن تاکنون راه به جایی نبرده و یا اساساً با ممانعت جدی روبرو نبوده است؟! آمار درآمدهای مالیاتی حکایت از آن دارد که بخش مهم مالیات از سه روش: وصول مالیات از طریق مالیات‌های تکلیفی، روش وصول مالیات بوسیله مأموران مالیاتی و روش خود اظهاری تأمین می‌شود. نظر به این‌که مالیات‌های تکلیفی از یک سو، فراگیرتر است و انواع بیش‌تری از مالیات‌ها را پوشش می‌دهد از سوی دیگر، با کوشش مالیاتی کم‌تر و صرفه جویی در هزینه‌ها سهم قابل‌توجهی در تأمین درآمدهای مالیاتی دارد این روش به تفصیل بیش‌تر در زیر مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

روش وصول مالیات از طریق مالیات‌های تکلیفی^۲

در ادبیات مالیاتی، مؤدی به معنی شخص اعم از حقیقی یا حقوقی است که به دلایل مختلف از جمله برخورداری از امکانات مالی (فعالیت یا درآمد، ثروت و دارایی، مصرف و انجام هزینه) به‌موجب قوانین مالیاتی مشمول

پرداخت مالیات (مالیات‌های مستقیم یا غیرمستقیم) است. لیکن در مواردی اشخاص به‌لحاظ ارتباط اقتصادی و تعامل با مؤدیان و دسترسی به اطلاعات ثروت و درآمد آن‌ها به‌موجب قانون عهده‌دار تأمین درآمدهای مالیاتی خواهند بود. به عنوان مثال، به موجب قوانین مالیاتی، پرداخت‌کنندگان وجوه به مؤدیان مالیاتی، خود در حکم مؤدی تلقی و موظف به کسر بخشی از مالیات متعلق و واریز به حساب درآمد مالیاتی می‌باشند (وصول و ایصال) از این نوع مالیات بعضاً مالیات در منبع نیز یاد شده است. عدم انجام وظیفه‌ی قانونی یادشده، موجب اخذ جرایم عدم کسر و عدم پرداخت و نیز جریمه‌ی تأخیر و همچنین مسئولیت تضامنی متخلف در پرداخت اصل مالیات خواهد بود.

گفتنی است مالیات‌های تکلیفی به‌عنوان مالیات علی‌الحساب مؤدی محسوب و جنبه‌ی قطعیت ندارد. لیکن در حساب مالیات قطعی مؤدیان قابل کسر خواهد بود. تجربه نشان داده است که در موارد زیادی مالیات‌های علی‌الحساب از مالیات قطعی مؤدیان بیش‌تر و تفاوت برابر قوانین مالیاتی قابل استرداد است. (ماده ۲۴۲ قانون مالیات‌ها)

مزیت‌ها و آثار مالیات‌های تکلیفی

۱. دریافت و وصول مالیات تکلیفی مانع از کاهش قدرت خرید دولت ناشی از شرایط تورمی خواهد بود.
۲. جمع‌آوری مالیات از طریق مالیات‌های تکلیفی در شرایط تورمی به کاهش نقدینگی کمک می‌کند و آثار ضد تورمی به همراه دارد.
۳. دریافت مالیات به‌صورت تکلیفی، به نوعی مشارکت مردم است و بنگاه‌های اقتصادی را در جمع‌آوری مالیات و تحقق درآمدهای دولت با حداقل هزینه ممکن می‌سازد.
۴. مالیات‌های تکلیفی، تحقق درآمدهای مالیاتی و پرداخت هزینه‌های دولت را در یک‌سال مالی هماهنگ ساخته و انجام پروژه‌های اقتصادی و حصول اهداف دولت را فراهم می‌کند.
۵. در اجرای مالیات‌های تکلیفی به‌لحاظ دسترسی به درآمد و امکانات مؤدیان، امر وصول، تسهیل، موجب کاهش فشار مالیاتی وارده به مؤدیان و نیز تخفیف دغدغه‌ی

مالیاتی آن‌ها خواهد بود.

۶. سهولت در شناسایی مؤدیان، فعالیت و درآمد آن‌ها، تسریع در مراحل تشخیص و مطالبه‌ی مالیات توسط سازمان مالیاتی، کاهش هزینه‌های وصول و نهایتاً کمک به بانک اطلاعاتی مؤدیان، از ویژگی‌های مالیات تکلیفی است.

۷. در نتیجه‌ی وصول مالیات‌های علی‌الحساب، مطالبات معوق مالیاتی و نهایتاً بخش قابل‌توجهی از مشکلات و هزینه‌های اداری سازمان مالیاتی کاهش می‌یابد.

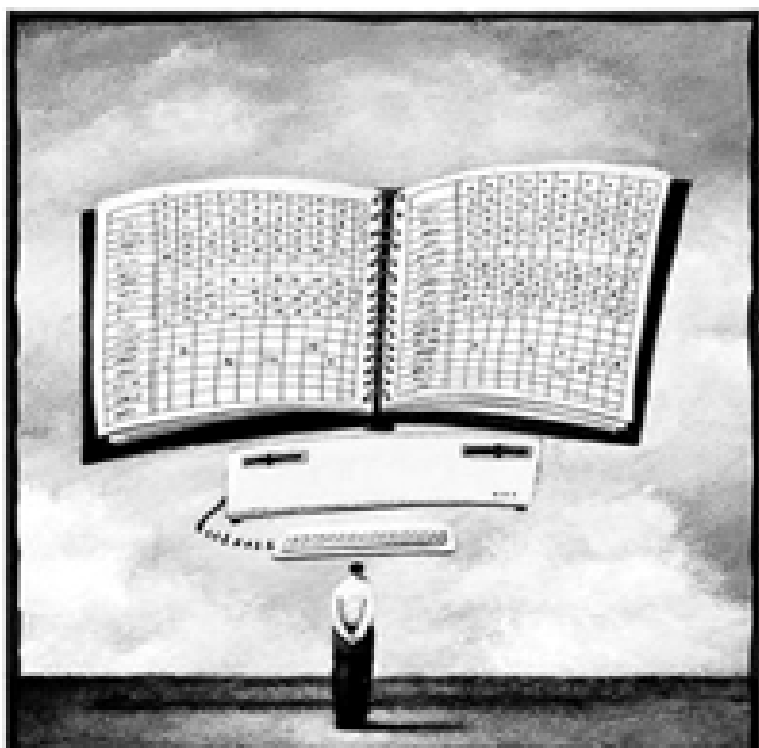
۸. حاصل مالیات‌های تکلیفی، در تجزیه و تحلیل درآمدهای مالیاتی و ارزیابی کارایی مالیاتی دولت تأثیر مثبت دارد.

در وضع هر یک از انواع مالیات‌ها اعم از مستقیم و غیر مستقیم شامل مالیات بر درآمد، مالیات بر دارایی، مالیات بر مصرف،... به منظور تحقق درآمدهای مالیاتی قانون‌گذار با بهره‌گیری از راه‌کار مالیات‌های تکلیفی حسب مورد مقررات ویژه‌ای را پیش روی مؤدیان قرار داده است. با اجتناب از اطلاعاتی بحث به ذکر نمونه‌هایی از مصادیق قانونی مالیات‌های تکلیفی بسنده می‌شود و به یاری خداوند بزرگ چنانچه فرصتی دست دهد در چگونگی و تحلیل بیش‌تر آن مقاله‌ی دیگری ارائه خواهد شد.

● طبق تبصره ۹ ماده ۵۳ قانون مالیات‌های مصوب ۸۰/۱۱/۲۷، وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی... شهرداری‌ها و... سایر اشخاص حقوقی مکلفاند مالیات بر درآمد املاک را از مال‌الاجاره‌هایی که پرداخت می‌کنند کسر و ظرف ده روز به اداره‌ی امور مالیاتی پرداخت کنند.

● ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌ها، تکلیف ابطال تمبر توسط وکلای دادگستری و... معادل ۵٪ روی وکالتنامه‌های آن‌ها را مقرر ساخته است. همچنین طبق تبصره ۲ ماده ۱۰۳ وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی و... شهرداری‌ها،... مکلفند از وجوهی که بابت حق‌الوکاله به وکلا پرداخت می‌کنند ۵٪ آن را کسر و بابت علی‌الحساب ظرف ۱۰ روز به اداره‌ی امور مالیاتی پرداخت کنند.

● ماده ۸۶ قانون مالیات‌ها مقرر داشته است که پرداخت‌کنندگان حقوق به‌هنگام هر پرداخت یا تخصیص آن مکلفند مالیات متعلق را طبق



مقررات ماده‌ی ۸۵ این قانون محاسبه و کسر و ظرف ۳۰ روز ضمن تسلیم فهرستی، متضمن نام و نشانی دریافت‌کنندگان حقوق و میزان آن، به اداره‌ی امور مالیاتی محل پرداخت و در ماه‌های بعد فقط تغییرات را صورت بدهند.

● طبق ماده ۱۰۲ قانون مالیات‌ها، در مضاربه، مضارب مکلف است در موقع تسلیم اظهارنامه علاوه بر پرداخت مالیات خود، مالیات درآمد صاحب سرمایه را بدون رعایت معافیت ماده ۱۰۱ این قانون کسر و به عنوان مالیات علی‌الحساب صاحب سرمایه به حساب مالیاتی واریز نماید.

● طبق ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌ها، وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، شهرداری‌ها، مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها و کلیه اشخاص حقوقی اعم از انتفاعی یا غیرانتفاعی و اشخاص موضوع بند الف ماده ۹۵ این قانون مکلفند در هر مورد که بابت حق الزحمه یا کارمزد ارائه خدمات از جمله حق‌العمر کاری، پیمانکاری ساختمان و... پرداخت می‌نمایند ۵٪ آن را به عنوان علی‌الحساب مالیات مؤدی کسر و ظرف ۳۰ روز به حساب تعیین شده از طرف سازمان امور مالیاتی کشور واریز و رسید دریافت کند

- ماده ۱۰۴ دارای ۶ تبصره است که در تبصره ۵ به سازمان امور مالیاتی اجازه داده شده است فهرست اموری را که باید به موارد یادشده در ماده ۱۰۴ اضافه شود تا پایان دی ماه هر سال اعلام نمایند.

- تبصره ۶ ضمانت اجرای ماده ۱۰۴ نحوه مطالبه و وصول را مد نظر قرار داده است.

- به لحاظ گستردگی حیطة شمول این ماده به انواع خدمات، همه ساله تعداد قابل توجهی بخشنامه‌های راهبردی سازمان مالیاتی صادر گردیده است که اشاره و بحث در این زمینه از حوصله این مقاله خارج است

● مفاد ماده ۱۰۷ ق.م.م نظر قانون‌گذار به اشخاص حقوقی خارجی و مؤسسات مقیم خارج از ایران منعطف می‌باشد در قسمت اخیر بند ب ماده ۱۰۷ تکلیف کسر مالیات متعلق را در هر پرداخت به عهده‌ی پرداخت‌کنندگان وجوه یاد شده قرار داده است و در صورت تخلف از انجام این وظیفه، دریافت‌کنندگان متضامناً مشمول پرداخت مالیات خواهند بود.

● تبصره ماده ۱۴۳ قانون مالیات‌ها، (اصلاحی مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷) و ماده ۱۴۳ مکرر

● ماده ۲۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده، عرضه‌کنندگان و واردکنندگان را تحت عنوان مؤدی مکلف به محاسبه و وصول مالیات از طرف معامله و واریز به حساب سازمان مالیاتی نموده است. همچنین گمرک جمهوری اسلامی در ارتباط با واردات و صادرات تکلیف مشابهی را عهده‌دار است. ضمانت اجرای قانون و برخورد با متخلفین به شرح مقررات ماده ۲۲ تعیین شده مشمول جرایمی به شرح مذکور در بندهای ماده مزبور شناخته است.

اضافه می‌کند مقررات ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌ها و تکلیف حسابداران رسمی (موضوع قانون استفاده از خدمات حسابداران رسمی مصوب ۷۲/۱۱/۱۷) در رسیدگی به مالیات‌های تکلیفی مؤدیان و اعلام بدهی آنها در گزارش‌های حسابرسی پدیده‌ای است که در دهه‌ی اخیر در راستای تحقق درآمدهای مالیاتی دولت نقش مهمی داشته است.

پی‌نوشت‌ها

۱- علی ظریف گلزار پیش‌تر به عنوان عضو شورای عالی مالیاتی، مدیرکل مالیات بر شرکت‌ها، مدیرکل امور اقتصادی و دارایی خراسان (بزرگ)، مدیر کل مالیات بر شرکت‌ها و مدرس در مراکز آموزش عالی خدمت کرده است.
۲- Withholding Tax
۳- Value Added Tax

الحاقی (موضوع ماده ۷ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی مصوب ۱۳۸۸/۹/۲۵) وصول و پرداخت مالیات نقل و انتقال سهام را به شکل مقطوع نیم درصد ارزش فروش سهام و حق تقدم به کارگزاران بورس تکلیف کرده است.

● به موجب بند ۱۰ از بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور، کلیه‌ی شرکت‌های دولتی و بانک‌ها که در بودجه سال ۱۳۸۷ آن‌ها سود پیش‌بینی شده مکلفاند در هر ماه معادل یک‌دوازدهم مالیات پیش‌بینی شده سال ۱۳۸۷ خود را (شامل مالیات عملکرد نفت) بابت مالیات عملکرد سال ۱۳۸۷ به صورت علی‌الحساب به سازمان امور مالیاتی پرداخت نمایند.

● حکم مشابهی در قانون بودجه سال ۱۳۸۶ نیز آمده است. (بند ب تبصره ۱ قانون بودجه سال ۸۶).

● مالیات بر ارزش افزوده^۳ تبلوری از انواع مالیات‌های غیر مستقیم است، به دلیل عدم دسترسی مستقیم دولت به انبوهی از مصرف‌کنندگان، بر اساس قانون مالیات از طریق فروشندگان کالا و ارائه‌کنندگان خدمات به حیطة وصول در می‌آید. به موجب ماده ۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده عرضه‌کنندگان کالا و خدمات به عنوان مؤدی مالیاتی شناخته شده و مسئول پرداخت مالیات بر ارزش افزوده می‌باشند.